

«مقاله پژوهشی»

دارالتأدیبهای تهران عصر پهلوی و بررسی وضعیت کودکان ساکن آن

یعقوب خزایی

دانشیار، گروه تاریخ، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)، قزوین، ایران

تاریخ دریافت: (۱۴۰۰/۰۶/۰۲) تاریخ پذیرش: (۱۴۰۰/۰۷/۰۷)

Reformatories in Tehran During the Pahlavi Period and the Study of the Status of Children Living in it

Yaghoub khazaei*

Associate Professor, Imam Khomeini International University, Qazvin, Iran

Received: (2021-08-24)

Accepted: (2021-09-29)

چکیده

مفهوم «کودکی» از جمله مفاهیم نسبتاً مغفول در علم تاریخ است و حوزه «مجازات کودکان» بیش از «کودکی» مورد بی‌مهری واقع شده است. در حقوق کیفری مدرن، کودکان بزهدار واجد حقوقی انکارناپذیر همچون زیست در مکانی مجزا از زندانیان بالغ شدند. در مقاله حاضر تکوین اندیشه‌های نوین در خصوص مجازات کودکان مطمح‌نظر است و سؤال اصلی از این قرار است که چرا با وجود تکوین و تأسیس «دارالتأدیبهای» تهران بازهم به‌طور مکرر شاهد نادیده گرفتن حقوق اولیه آن‌ها هستیم؟ فرضیه تحقیق کنونی متضمن این ایده است که علت عمده رفتارهای خشونت‌آمیز و تجاوزکارانه نسبت به کودکان، قرارگیری دارالتأدیبهای تهران در محوطه زندان اصلی پایتخت یعنی زندان قصر بوده است و به نظر می‌رسد نزدیکی و مجاورت این دو نهاد یکی از علل اصلی تجاوز به حقوق کودکان بوده است. یکی از دستاوردهای مهم پژوهش حاضر برای دست‌اندرکاران دارالتأدیبه‌ها یا کانون‌های اصلاح و تربیت کنونی این است که نزدیکی مکان زندان افراد بالغ با دارالتأدیبه‌ها یکی از علل عمده آزار و اذیت کودکان توسط زندانیان بزرگسال بوده است و حتی‌الامکان باید مکان دارالتأدیبه‌ها به‌دوراز زندان‌ها باشد.

واژه‌های کلیدی: تهران، دارالتأدیبه، کودک، تنبیه، جرم

Abstract

The concept of "childhood" is one of the relatively neglected concepts in the science of history, and the field of "children's punishments" is neglected more than "childhood". In modern criminal law, juvenile delinquents have inalienable rights such as living in a separate place from adult prisoners. In this article, the formation of new ideas about children and the punishment of children is considered and the main question is "Why, despite the formation and establishment of Tehran's " reformatories ", do we still repeatedly see their basic rights being ignored?" The current research hypothesis implies the idea that the main causes for the violent and abusive behavior towards children was the placement of Tehran's reformatories in the proximity of prison of the capital, Qasr Prison. And it seems that the proximity of these two institutions has been the main cause of the violation of children's rights. One of the important contributions of this study for those involved in the current correctional centers is that proximity of adult prisons to reformatories has been a major cause of child abuse by adult prisoners. Therefore, the place of reformatories should be as far away from prisons as possible.

Keywords: Tehran, Reformatory, Child, Punishment, Crime.

*khazaei@hum.ikiu.ac.ir

فلک کردن کودکان در خانواده و مدرسه به امری متعارف و متداول تبدیل می‌شود و این همان نگرش پدرسالارانه جامعه ایرانی است که شخصیت کودک را آماج شدیدترین توهین‌ها و مجازات‌ها قرار می‌دهد. کودک در هر نهادی که پا می‌گذارد این رویه و روند پدرسالارانه به چشم می‌خورد؛ بطوریکه مکتب‌های سنتی که محل علم‌آموزی کودکان بود، جایی نه برای آموزش که از یک منظر خود مجازاتگاهی بود که ورود کودکان به آن حدود، همواره با ترس و هراس همراه بود.^۳ در حقیقت، همبسته آموزش در نهادی‌های آموزشی، مجازات بود و در هر مکتب‌خانه همواره چوب و فلک وجود داشت و از این رو آموزش با قوه قهریه ممکن می‌گشت. لذا نهادهای آموزشی شباهت‌های زیادی به محبس‌گاه‌ها داشتند. ولی این وضعیت با رسوخ اندیشه‌های نوین و حقوق کیفری غربی دگرگونه شد. با شروع دوره جدید در تاریخ ایران شاهد هستیم که به تدریج تنبیه فیزیکی از صحنه نهادهایی مانند خانواده و مدرسه در حال رخت بریستن است؛ چراکه از این به بعد مجازات، معطوف به ذهن و روان کودکان است و در این گفتمان جدید به دلیل نگرش‌های نوین در عرصه سیاسی و اجتماعی و به‌ویژه حقوق کیفری دیگر نمی‌توانیم بدن و جسم افراد را مورد تعذیب قرار دهیم بلکه ذهن و روان آماج هجوم قرار می‌گیرند. از همین منظر نوین است که کودکان مجرم و بزهکار را در مکانی مجزا از بزرگسالان نگهداری می‌کنند. بدین ترتیب می‌توان نگرش سنتی و مدرن به کودک و تنبیه و مجازات در این دو دوره را نشانه‌ای از گسست‌های فکری و اندیشگی تلقی کرد. طبق نگرش سنتی، کودکان نیز در کنار بزرگسالان زندانی می‌شدند و با شروع نخستین تغییرات حقوقی، مکانی مجزا از افراد بزرگسال برای

مقدمه

یکی از مهم‌ترین روش‌های آگاه کردن افراد نزد گذشتگان ما تنبیه بوده است. از نظر ریشه‌شناسی در زبان فارسی میان واژگان «تنبیه» و «تنبه» ارتباط وجود دارد. هدف از تنبیه کودکان آگاه کردن آنان بوده است. بنابراین با تنبیه خودبه‌خود تنبه و هوشیاری حاصل می‌شد. در دوران گذشته نگاه به تنبیه مثبت بوده است و اثرات تربیتی و آموزشی بر آن مترتب بوده است. در دوره ماقبل مدرن، تنبیه فیزیکی کودکان امری متداول بوده است. لوکورگوس قانون‌گذار اسپارتی به منظور ورزیدگی و افزایش توانمندی‌های مردم این دولت شهر مقرر داشته بود که کودکان را از همان ابتدا به دستبرد و سرقت عادت دهند و چنانچه طفلی در حین دزدی دستگیر می‌شد، به شدت چوبش می‌زدند (متسکیو، ۱۳۹۱: ۹۴۱-۹۴۲). سیاست‌نامه‌نویسان و فلاسفه ایرانی همچون عنصرالمعالی^۱ و خواجه نصیرالدین طوسی^۲ هم به اثرهای تنبیه کودکان در تعلیم و تربیت آنان عنایت ویژه‌ای داشته‌اند.

این روش تا دوران قاجار هم استمرار داشت. نگرش جامعه ایران عصر قاجار، در تداوم روند تاریخی گذشته بود. نهاد پدرسالار این دوره به کودک در حوزه خانواده چندان وقعی نمی‌گذاشت بطوریکه پدر خانواده در صورت تخطی فرزندان از قواعد و هنجارهای مورد پذیرش، به شدت هرچه تمام‌تر آن‌ها را مجازات می‌کرد. بدین ترتیب است که

۱. خواجه‌نویسان از سیاست‌نامه‌نویسان برجسته قرن ۵ ه.ق در خصوص تأثیرات تنبیه در آموزش اظهار می‌دارد «... و اگر معلمان، فرزند تو را از بهر تعلیم بزنند، بر آن شفقت میر و بگذار تا بزنند، که کودک علم و هنر و ادب را به چوب آموزد نه به طبع ...» (عنصرالمعالی، ۱۳۳۵: ۱۱۴-۱۱۳).

۲. خواجه نصیرالدین طوسی فیلسوف شهیر نیز در فصل چهارم از اثر مهم خود، اخلاق ناصری، با عنوان «در سیاست و تدبیر اولاد» بیان می‌کند: وقتی که دوران شیر خوردن نوزاد تمام شد، «به تأدیب و ریاضت او مشغول باید شد پیشتر از آنکه اخلاق تباه فرا گیرد؛ چه کودک مستعد بود و به اخلاق ذمیمه میل بیشتر کند ...» (خواجه نصیرالدین طوسی، ۱۳۶۰: ۲۲۲).

۳. برخی نویسندگان از مکتب‌خانه‌ها به خاطر فضای دهشتناک آن زیر عنوان «محبس تنگ و تاریک» یاد کرده‌اند (سحاب، ۱۳۹۴: ۱۸-۱۷). سفیرنامه‌نویسان دوران قاجار نیز بر این وضعیت کودکان صحه گذاشته‌اند، بطوریکه دروویل اظهار داشته است: «در کمتر کشوری بچه‌های خردسال را به اندازه ایران شکنجه می‌دهند» (دروویل، ۱۳۶۴: ۷۰).

۴۷-). داروین^۳ در سده ۱۹ میلادی پیشگام بررسی‌های علمی درباره کودک شد (برک، ۱۳۹۸: ۲۵-۲۴) داروین یکی از فرزندان خود را مورد مطالعه قرار داد و نخستین نوشته‌ها درباره کودکی را در ۱۸۷۷ م منتشر نمود (مایال، ۱۳۹۵: ۱۸). روان‌شناسان سنین بین ۴ تا ۱۲ سالگی را تحت‌عنوان سنین کودکی دسته‌بندی می‌کنند^۴. فیلیپ آریه^۵ مورخ آنالی معتقد است هنر قرون وسطی تا حدود قرن ۱۲ میلادی کودکی را نمی‌شناخت و کوششی برای تصویری‌سازی از کودکی ارائه نداد (Ariés, 1962: 33). در آن دوران، سال‌های میان ۴ تا ۱۲ سالگی یک مرحله از زندگی نبود. بنابراین کودکی نه یک واقعیت خام بلکه واقعیتی نهادی است. آریه می‌گوید در قرون ۱۰، ۱۱ و ۱۲ میلادی همین‌که نوزاد را از شیر می‌گرفتند، بدان‌ها مسئولیت‌ها، لباس‌ها و نقش بزرگسالان را می‌دادند و هیچ دوره‌گذاری میان طفولیت و بزرگسالی وجود نداشت. در پایان قرون وسطی زندگی بزرگسالان شروع به تغییر کرد. به نظر آریه محور رفتار جدید «آموزش مدرسه‌ای» بود و در آغاز قرن ۱۵ میلادی علاقه به آموزش در میان پیشوایان کلیسا، حقوق‌دانان و محققان رشد بسیاری کرد. مدرسه ۴ تا ۱۲ سالگی را از زندگی بزرگسالی حذف کرد و به ایجاد مرحله‌ای از زندگی مابین طفولیت و بزرگسالی کمک کرد؛ مرحله‌ای که قبل از آن اصلاً وجود نداشت. به‌واسطه ابداع علوم مدرنی چون روان‌شناسی و پزشکی که کودک را به‌عنوان یک مقوله به کار گرفتند، کودکی به‌عنوان یک نوع شکل‌یافته‌تر شد. علوم جدیدی مثل روان‌پزشکی، پزشکی و روان‌کاوی خود را وقف مسائل کودکی کردند و یافته‌های آنان از طریق نوشته‌هایی همه‌فهم به والدین منتقل شد (رووت، ۱۳۸۹: ۲۸۹ - ۲۸۸). لذا تا مدت‌های مدید و قبل از صورت‌بندی این نظریه‌های در خصوص کودکان، این طیف را به‌مثابه «بالغین کوچک» تلقی می‌کردند (کراو و کراو، ۱۳۵۷: ۱۰)

در حقیقت در دوران گذشته هیچ تصویری از مفهوم

کودکان در نظر گرفته شد. در حقیقت شکل‌گیری نهاد «دارالتأدیبه» حاصل تغییر نگرش به کودک در جامعه جدید است. مقاله حاضر درصدد است تا حقوق کیفری مربوط به کودکان و وضع دارالتأدیبه‌ها^۱ را در دوران پهلوی بررسی کند و با این سؤال بحث را دنبال می‌کند که چرا با وجود ساخت مکانی مجزا برای حفظ و نگهداری کودکان بزهکار باز هم به‌کرات تعرض و تجاوز به کودکان اتفاق می‌افتاد؟ در مورد پیشینه پژوهش حاضر هم بایسته است اشاره شود که در مورد تاریخ کودکی، برخی تألیف و ترجمه‌ها وجود دارد ولی در مورد مجازات کودکان و دارالتأدیبه‌های تهران عصر پهلوی این نخستین پژوهش به‌شمار می‌آید.

مجازات کودک در انگاره مدرن

قبل از هر چیز باید گفته شود که در مقاله حاضر مفهوم «کودکی» معادل child در نظر گرفته شده است و نه infancy. چراکه infancy از ریشه لاتین infans (کودک) وام گرفته شده است و in پیشوند منفی‌ساز و fans صفت فاعلی از فعل fari به معنای «سخن گفتن» یا «حرف زدن» است. بنابراین معنای تحت‌اللفظی infancy «ناتوانی از سخن گفتن» و «بی‌زبانی» است (آگامبن، ۱۳۹۵: ۴۲ پاورقی). بنابراین کودک معادل infancy به تجربه آغازین پیش‌زبانی اشاره دارد (همان، ۱۰۹). در مقاله حاضر ما با دوران کودکی مابعد زبانی مواجه هستیم؛ یعنی با کودکی که می‌تواند با زبان خود با دیگران ارتباط برقرار کند.

روسو^۲ از جمله متفکران مهم «قرارداد اجتماعی» به مفهوم کودکی می‌اندیشید. او در کتابش امیل منتشره به سال ۱۷۶۲ از روش‌های سستی آموزش کودک به‌شدت انتقاد نمود. به‌زعم او طبیعت در کودک، یک‌سری توانایی‌ها و استعدادها قرار داده است که برای شکوفایی آن‌ها لازم است کودک روند و مسیر طبیعی زندگی خود را طی کند. روسو در آغاز کتابش موانع متنوع در برابر نوزاد را بررسی می‌کند (روسو، بی‌تا: ۳۸

۴. نوزاد تا یک سال را infant و خردسال را toddler و دوران کودکی childhood از ۴ الی ۱۳ سالگی را شامل می‌شود.

5. Philipp Ariés

۱. امروزه دارالتأدیبه بیشتر با نام «کانون اصلاح و تربیت» شناخته می‌شود.

2. Jean-Jacques Rousseau

3. Charles Darwin

کودکی وجود نداشت. مفهوم کودکی نباید با احساس عاطفی نسب به کودکان اشتباه گرفته شود و در آن مقاطع تمایز بین دوران کودکی و فرد بالغ وجود نداشت. اینکه تاریخ‌دانان کودکی و زمانه آن را جدی بگیرند، پدیده‌ای نو و مدرن بود که در ایران به تدریج از اواخر دوره قاجار شکل گرفت (کورسارو، ۱۳۸۶: ۲۵).

جامعه ایران که از اواسط دوره ناصری هر روز بیش از گذشته با دستاوردهای فکری - فرهنگی غربی آشنا می‌شد، در دوره ماقبل مشروطه تحت تأثیر چندین عامل از مفهوم سنتی کودکی فاصله گرفته، با نقد شیوه تربیت کودکان و جایگاه آنان در جامعه، بستر تحولاتی در ذهنیت عمومی و نهادهای جدید اجتماعی گردید. این عوامل عبارت بودند از همراهی و تأثیرپذیری اندیشه‌گران متجدد ایرانی با جنبش پداگوژی یا تعلیم و تربیت تجربی، ارتباط رو به گسترش دولت ایران و سازمان‌های نوظهور بین‌المللی از جمله سازمان بین‌المللی کار و نگارش قانون اساسی و تشکیل فرقه‌ها و احزاب سیاسی. زمانی که نگاه روشنفکران قاجار به جامعه تغییر یافت، اندکاندک به کودک نیز تغییر نگرش‌هایی دیده شد. در حقیقت تا زمانی که «تاریخ از بالا» تداول داشت، کودک و هیچ‌کدام دیگر از طیف‌های جامعه انسانی نمی‌توانستند مورد توجه قرار گیرند. ولی با ظهور نگرش‌های نوین در تاریخ اجتماعی، تاریخ از پایین مورد توجه قرار گرفت و در این زمینه و بستر است که به کودک توجه می‌شود.

اندیشه‌ورزان ایران عصر قاجار هم با آشنایی با امثال روسو بود که به این تغییر نگرش دست یافتند. همان‌طوری که می‌دانیم طالبوف تبریزی اندیشه‌ورز عصر قاجار در اثر خود کتاب /حمد تعالیم روسو را در زمینه تربیت کودکان طرح می‌کند.

در ایران عصر مشروطه این حزب دموکرات بود که برای نخستین بار حق کودک را در مرامنامه حزبی‌اش در نظر گرفت. بطوریکه در فصل هفتم مرامنامه فرقه سیاسی

دموکرات ایران (عامیون) تحت عنوان «اصول اقتصادی» به کار و کودکان هم اشارت شده است. «ممنوع بودن کار و مزدوری برای بچه‌ای که به چهارده سال نرسیده باشد»، ماده هشتم این مرامنامه را تشکیل می‌داد (مرامنامه‌ها و نظامنامه‌های احزاب سیاسی ایران در دومین دوره مجلس شورای ملی، ۱۳۶۱: ۷). در چنین فضایی بود که در تعلیم و تربیت کودکان هم تغییراتی پدید آمد چنانکه در سال ۱۳۰۲ ه.ش سلیمان میرزا اسکندری وزیر معارف وقت، تنبیه بدنی را ممنوع اعلام کرد و بدین ترتیب مدیران مدارس چوب و فلک را در انبارها مخفی کردند (عبده، ۱۳۶۸: ۴۹).

در قانون مجازات عمومی^۱ کودکان غیرممیز از تحمل محکومیت برکنار بودند. اگر اطفال ممیز غیربالغ که به سن پانزده سال تمام نرسیده بودند، مرتکب جنحه و جنایت می‌شدند، فقط به ده الی پنجاه ضربه شلاق محکوم می‌شدند. اما اشخاص بالغ که سن آن‌ها بین پانزده تا هیجده سال بود، به مجرد جرم، در دارالتأدیب حبس می‌شدند و مدت حبس بیش از پنج سال مقرر نشده بود (مجموعه قوانین و مقررات سال‌های ۱۳۱۲-۱۳۰۰، ۱۳۸۸: ۱۵۶).

حتی اگر برای متهم سیاسی کیفر اعدام در نظر گرفته می‌شد، تا زمانی که سن متهم به ۱۸ سال نرسیده بود، اجرای حکم اعدام موقوف بود چنانکه خسرو تره‌گل نوجوان ۱۷ ساله که در اوایل دهه ۵۰ ه.ش به اتهام سیاسی بازداشت شده بود، تا به سن قانونی نرسیده بود، از اعدامش احتراز کردند. ولی به مجرد رسیدن به سن قانونی وی را تیرباران کردند (قهرمانلو، ۲۰۱۵: ۲۲۳).

در نظامنامه محابس و توقیفگاه‌ها مصوب دوم مهرماه ۱۳۰۷ ه.ش یک ماده هم به شرح زیر به دارالتأدیب تخصیص داده شده بود: مظنونین یا محکومین که سن آن‌ها بیش از پانزده سال تمام بوده ولی به هیجده سال تمام نرسیده باشد، در دارالتأدیب توقیف یا حبس خواهند شد (اطلاعات، ش ۷۸۸، ۲۲ خرداد ۱۳۰۸: ۳ و ۲). لذا بر اساس تدوین این نوع قوانین رفتار با کودکان مجرم نیز

۱. قانون مجازات عمومی در سال ۱۳۰۴ ه.ش به تصویب رسید.

داد. از این رو نهادی تحت عنوان «دارالتأدیبات»^۱ به وجود آمد که مخصوص نگهداری کودکان مجرم بود و می‌توان آن را «زندان کودکان»^۲ نامید.

در حقوق کیفری مدرن، به جرم از چشم‌اندازهای مختلف نگریسته شده است. فی‌المثل بین متهم و مجرم تفاوت قائل می‌شوند و از این منظر دو مکان مجزا به نام‌های توقیفگاه یا زندان موقت و زندان ایجاد می‌شود. سن افراد مجرم یکی دیگر از عناصر مهمی بود که در شیوه و نوع مجازات افراد تمایز ایجاد می‌کرد. بر این اساس باید کودکان و نوجوانان را از افراد بالغ و بزرگسال منفک کرد. در سیاهچال‌های دوران ماقبل مدرن، مجرمان مختلف اعم از بدهکاران، جنایتکاران و حتی متهمانی که جرمشان اثبات نشده بود، در کنار یکدیگر زندانی می‌شدند. مع‌الوصف زیست مجرمان مختلف در کنار یکدیگر می‌توانست صدمات غیرقابل جبرانی بر بزهکاران و نیز جامعه انسانی داشته باشد. مطابق قانون مجازات عمومی، افراد نابالغ در صورت بزه مجرم شناخته نمی‌شدند و به زندان محکوم نمی‌شدند.

یکی از تحولات مهم در عرصه حقوق کیفری پیدایش دارالتأدیبات برای کودکان بود. در فیلادلفیا در سال ۱۸۳۸ میلادی بنگاه ویژه‌ای برای حفظ و نگهداری کودکان تأسیس شد. در این بنگاه ملاک طبقه‌بندی سن، طبیعت عمل و آثار اصلاح بود. چیزی نگذشت که دارالتأدیباتی در نیویورک و ماساچوست به وجود آمد (نامه شهربانی، بی‌تا: ۲۵/۷). در ایران هم پیدایش دارالتأدیبات به سال‌های آخر حکومت قاجار و اوایل پهلوی مربوط است. بدین ترتیب برای نخستین بار در دوران درگاهی یک دارالتأدیبات ایجاد گردید و کودکان بزهکار در آنجا نگهداری می‌شدند (بهرامی، ۱۳۰۷: ۲). در این مکان کودکانی از سن ۱۲ تا ۱۸ ساله نگهداری می‌شدند که تعداد آنان در دارالتأدیبات تهران در اوایل سلطنت رضاشاه هفتاد کودک

تغییر یافت. بنابراین به دلیل ظهور اندیشه‌های نوین است که دولت‌ها هم به مسئله کودک توجه می‌کنند و حتی به‌طور صوری هم که شده دست به اقداماتی می‌زدند. به‌عنوان نمونه دولت‌ها هم با درک وضعیت نابسامان کودکان درصد بودند تا اقداماتی برای بسامان کردن وضعیت کودکان بی‌سرپرست انجام دهند و در همین ارتباط است که متین‌دفتری که در اواخر سال ۱۳۱۵ ه.ش به وزارت دادگستری رسیده بود، مبادرت به اصلاحاتی نمود. یکی از اقدامات متین‌دفتری تأسیس «بنگاه صغار» بود. موسسه مذکور وابسته به دادگستری بود و بدان منظور ایجاد شده بود که شماری از کودکان بی‌سرپرست را که به دلیل محکومیت و حبس پدرانشان هیچ سرپناهی نداشتند، حفظ و نگهداری کند. در بنگاه صغار از ۵۰ کودک نگهداری به عمل می‌آمد و امکانات تحصیل برای آنان فراهم بود (صفایی، ۱۳۸۳: ۲۷).

دارالتأدیبات تهران

در تمام اجتماعات بشری بین افراد مجرم کودکانی نیز یافت می‌شوند که تحت‌تأثیر عوامل گوناگون از قبیل فقدان سرپرست و ابزار تعلیم و تربیت صحیح و ... به اقدامات مجرمانه مبادرت می‌کنند. اگر کودک و فرد نابالغی نیز از قوانین مورد تأیید جامعه‌ای تخلفی کرد، می‌بایست مورد تعقیب قرار گیرد و از آزادی زیانبارش در جامعه جلوگیری به عمل آید. لیکن کودکان خطاکار و مجرم را نمی‌بایست با مجرمان عادی و بالغ در یک مکان حبس کرد چراکه در صورت اختلاط و آمیزش با مجرمان حرفه‌ای، ترفندهای مجرمانه را به‌سرعت نزد آن‌ها فرا خواهند گرفت و این سبب سقوط زود هنگام کودکان در ورطه جرم و جنایت خواهد شد. از این رو می‌بایست مکانی مجزا برای آن‌ها در نظر گرفت تا بتوان در آنجا هم اقدامات کیفری و هم آمادگی آنان برای دوری از جرم و بازگشت به جامعه را صورت

1. Reformatory

۲. بدرالملوک بامداد از دارالتأدیبات زیر عنوان «مدرسه اطفال ولگرد» یاد می‌کند (بامداد، ۱۳۲۹: ۱۳۰).

بود. معلمان آموزشگاه موظف بودند که با اندرزهای مفید و اصول صحیح این محکومین را آموزش دهند. قسمت آموزش دارالتأدیب که سابقاً دارای برنامه کاملی بود، چندی بعد تعطیل شد و بعداً به وسیله آقای بیژن مه‌داد، شروع به کار کرد. در سطح آموزشی مقرر بود در سی جلسه خواندن و نوشتن را به کودکان بی‌سواد بیاموزند. هر هفته یک‌بار نیز آقای بیان خطیب زندان سخنرانی اخلاقی و مذهبی و اندرزهای سودمند برای کودکان ایراد می‌کرد. در قسمت پرورش کودکان چون کارگاه مخصوص اطفال در دست ساخت بود و هنوز مورد بهره‌برداری قرار نگرفته بود، کودکان فقط به فعالیت‌های ورزشی و کارهای باغبانی می‌پرداختند. آنان ورزش‌هایی همچون ژیمناستیک، فوتبال و والیبال انجام می‌دادند و در بخش شنا هم شناگران ماهری پرورش یافته بودند (نامه شهربانی بی‌تا: ۱۷ / ۲۹ - ۲۸). لیکن به دلایل مختلف این‌گونه اقدامات به‌جز چند مورد استثنایی پیگیری نشد تا اینکه در اواخر دوره رضاشاه دارالتأدیب در تهران تأسیس شد که دارای بهداری بود و مراقبت‌هایی برای کودکان مقرر داشته بود (نامه شهربانی، ش اول، دی ۱۳۱۷: ۱۵-۱۶).

منابع رسمی دولتی مانند مجله «نظمیه» که در سال ۱۳۰۴ به «پلیس» تغییر نام داد،^۱ «نامه شهربانی»^۲ و «سالنامه پارس» صرفاً ابعاد مثبت دارالتأدیب‌ها را مورد توجه قرار داده‌اند و در این‌گونه منابع سخن از هدایت کودکان است. به‌عنوان نمونه سالنامه پارس، زندان‌های نظمیه از جمله دارالتأدیب را «دارالتربیه کاملی» عنوان می‌کردند که با آموزش‌های لازم این شمار معدود از منحرفان و قانون‌شکنان به راه راست و طریق انسانیت هدایت و رهنمون می‌شدند (سالنامه پارس، ۱۳۱۱: ۱۰۱ - ۱۰۰). برخلاف این ادعا وضع کودکان به قرار

دیگری بود. دشتی به انتقاد از شرایط کودکان در زندان می‌پردازد. اینکه سی‌ودو کودک را با دویت سیصد نفر دزد و جنایتکار بالغ در یک مکان زندانی کرده‌اند و اخلاق ساده این کودکان تحت تأثیر آن قاتلان قرار گرفته بود. دشتی این سؤال را از مسئولان مطرح می‌کند که «... آیا مستنطقین این نکته را درک نکرده‌اند که هرکس یک‌بار به زندان پا بگذارد تا ابد به آنجا رفت‌وآمد خواهد کرد» (دشتی، ۱۳۸۰: ۱۱۰-۱۰۹). این سخن دشتی را جامعه‌شناسانی همچون لمرت^۳ (۱۹۱۲-۱۹۹۶) و هوارد بکر^۴ (۱۹۲۸) با ابداع یک نظریه مهم تصدیق کرده‌اند. همین‌که برچسب بزهکاری به کودکی زده شد، به‌عنوان مجرم، بدنام می‌شود و ممکن است به‌عنوان فردی غیرقابل اعتماد توسط معلمان و کارفرمایان آینده در نظر گرفته شود. در این صورت کودک در ورطه رفتار تبهکارانه بیشتری سقوط می‌کند. ادوین لمرت نخستین عمل خطا را «کجروی نخستین» می‌نامد (Lemert, 1951: 317). کجروی ثانویه^۵ هنگامی رخ می‌دهد که فرد، برچسبی که به او زده شده، را می‌پذیرد و خود را به‌عنوان کجرو می‌بیند (گیلنز، ۱۳۷۴: ۱۴۳).

پس از شهریور ۱۳۲۰ در محوطه زندان، مرکزی با عنوان قصر دارالتأدیب^۶ ساخته شد (فرید، ۱۳۳۸: ۱۷). محمدرضا شاه در ۱۴ شهریور ۱۳۲۵^۷ از دارالتأدیب زندان شهربانی بازدید و دستورات لازم را به‌منظور رفع مشکلات صادر نمود (قدیمی، ۱۳۲۶: ۱۴۳). ضمن اینکه شاه در تاریخ ۱۶ آذر ۱۳۲۵ در شب‌نشینی‌ای که به‌منظور اصلاح دارالتأدیب شهربانی در کاخ گلستان برگزار شده بود، مقرر داشتند ۵۰۰ تخت پتو به دارالتأدیب اعطا شود (شفا، ج ۱، بی‌تا: ۳۸۱).

این اقدامات در دولت قوام‌السلطنه صورت گرفت. در

3. Lemert, M. Edwin
4. Howard. S. Becker

۵. در خصوص انحراف ثانویه نک: (Lemert, 1951: 319 - 318).

۶. تصویری از دارالتأدیب زندان قصر در مجله شهربانی مندرج است (فرید، ۱۳۳۸: ۱۷).

۷. سرگرد فرید معاونت فنی اداره زندان را عهده‌دار بود.

۸. شجاع‌الدین شفا تاریخ این بازدید را ۱۵ شهریور ذکر کرده است (شفا، ج ۱، بی‌تا: ۳۹۰).

۱. در دوران درگاهی (۱۳۰۸-۱۳۰۲ ه.ش) نخستین رئیس نظمیه دوران رضاشاه، مجله پلیس منتشر شد. پلیس در تیرماه ۱۳۰۴ شمسی برای راهنمایی مردم و آشنایی آنان با نظمیه جدید و پلیس نوین و همچنین آشنا کردن افسران با قوانین منتشر شد (پلیس ایران، ۱۳۵۵: ۱۰۶). مؤسس مجله پلیس سرهنگ درگاهی رئیس نظمیه و مدیر آن میرزا حبیب‌الله‌خان، شهردار رئیس محاکمات اداری نظمیه بود.

۲. نامه شهربانی تقریباً همزمان با روی کار آمدن سر پاس مختاری تأسیس شد و در دهه ۲۰ هم منتشر می‌شد.

آنچه روشن است اینکه دارالتأدیباتهای تهران عصر پهلوی یا حتی در دیگر شهرهای ایران^۱ در نزدیکی و مجاورت محل زندان افراد بالغ ساخته شده بود. از یک سو پنجره‌های برخی از سلول‌های زندان شماره ۴ قصر به دارالتأدیبات باز می‌شد و برخی زندانیان سیاسی ساکن در زندان شماره ۴ از سروصدای همیشگی کودکان دارالتأدیبات به ستوه می‌آمدند (کی‌منش، ۲۰۱۹: ۱۲۶). از سوی دیگر همین مجاورت موجب پیدایش آسیب‌های جدی برای کودکان می‌شد. یکی از این آسیب‌ها آزار و اذیت روحی و جسمی کودکان توسط زندانیان بزرگسال بود. در بخش پایانی مقاله همین آسیب‌ها مورد بررسی قرار می‌گیرد.

خشونت و تجاوز علیه کودکان دارالتأدیبات

طرد افراد از محیط اجتماع و حبس آن‌ها در دارالتأدیبات و یا زندان، تأثیرات سوء در روح و روان محبوسان برجای می‌گذارد. به‌علت دوری از خانواده در نهادهایی همچون زندان و دارالتأدیبات انحرافات رخ می‌دهد. ظاهراً در جوامع سنتی برخی از این روابط نامشروع به شکل علنی و آشکار بوده است چنانکه در ادبیات غنائی ایران شاهدبازی در نزد برخی نوابغ ایرانی امری عادی جلوه‌گر شده است. در حقوق کیفری مدرن با رویکردی انتقادی از زندان با اسامی همچون «آموزشگاه جرم» نیز نام برده‌اند زیرا زندان محل گردهمایی بزهکاران بوده و از آنجائی که معمولاً طبقه‌بندی زندانیان بر اساس نوع بزه ارتكابی رعایت نمی‌شود، بزهکاران از طریق تماس با یکدیگر نحوه و روش ارتكاب جرائم مختلف را به یکدیگر آموزش داده یا فرا می‌گیرند (اباذری فومشی، ۱۳۷۸: ۲۳). مسئولان زندان قصر در ابتدا تمهیدی اندیشیده بودند تا از تعامل و ارتباط کودکان با دیگر زندانیان ممانعت به عمل آورند. یکی از راهروهای زندان قصر به راهروی سارقین اشتها داشت و یکی دو سلول آن را برای جوانان در نظر گرفته بودند. نگهبانان

این زمان بود که برای ساخت دارالتأدیبات در سال ۱۳۲۵ اقداماتی به عمل آمد و شهربانی ساخت محلی برای نگهداری کودکان را شروع کرد. دارالتأدیبات جدید در سال ۱۳۳۲ شمسی در شمال غربی زندان شماره ۱ قصر به بهره‌برداری رسید و به دو قسمت مجزای دارالتأدیبات شماره ۱ و شماره ۲ تقسیم شد (هومن، ۱۳۳۹: ۲۳۹).

دارالتأدیبات شماره ۱ ویژه جوانان ۲۵ - ۱۸ ساله و دارالتأدیبات شماره ۲ مخصوص افراد کمتر از ۱۸ سال بود (پلیس ایران، ۲۵۳۵: ۲۲۱). در این دو دارالتأدیبات سالن والیبال، بسکتبال، زمین ورزش و وسایل ورزشی ساخت سوئد موجود بود. دبیرانی هم از وزارت فرهنگ برای آموزش ورزش و درس‌ها به دارالتأدیبات فرستاده می‌شدند (هومن، ۱۳۳۹: ۲۴۰). بعدها بخشی از بهداری زندان قصر نیز به دارالتأدیبات تبدیل شد (عمویی، ۱۳۷۷: ۱۳۲).

با تأسیس دارالتأدیبات در محوطه زندان‌ها مجرمان نابالغ در این مکان‌ها نگهداری می‌شدند. در این زمینه ذکر چند شاهد ضروری است. حمید ایپکچی‌منش از متهمان مولفه به هنگام دستگیری در حدود ۱۷ سال و خورده‌ای داشت (ناگفته‌ها: خاطرات شهید حاج مهدی عراقی، ۱۳۷۰: ۲۳۹) و او را از دیگر متهمان جدا کرده و به دارالتأدیبات انتقال دادند (خاطرات حبیب‌الله عسکراولادی، ۱۳۹۱: ۱۸۷). دیگر اینکه زمانی که شماری از اعضای حزب ملل اسلامی را در سال ۱۳۴۴ تحت عنوان مبارزه مسلحانه بازداشت کردند، مقرر گردید چند تن از آنان مانند محمدباقر صنوبری و حسن طباطبایی و ... را به دلیل صغر سن از دیگر دوستانشان جدا کرده و به دارالتأدیبات زندان قصر در همان حوالی انتقال دهند (احمد، ۱۳۸۶: ۱۴۰ - ۱۳۹). همین‌طور سعید متحدین یکی از اعضای سازمان مجاهدین خلق که زیر ۱۸ سال داشت، در دارالتأدیبات محبوس بود. علیرضا صفاریان مسئول دارالتأدیبات او را فراری داد و خود به چند سال حبس محکوم شد (میثمی، ۱۳۹۸: ۳/۲۵۰).

۱. به‌عنوان شاهد در زندان عادل‌آباد دارالتأدیبات در طبقه دوم واقع بود (کی‌منش، ۲۰۱۹: ۱۳۸؛ حسینی، ۱۳۹۴: ۴۳۰) یا دارالتأدیبات زندان ساری در محوطه همان زندان قرار گرفته بود (شهرام، ۱۳۹۰: ۷۸).

آن‌ها یا خانواده را به خطر می‌اندازند، بترسند. برخی افراد وقتی دور از خانه و کاشانه خود هستند، «دل‌تنگ خانه» می‌شوند (انجمن روان‌پزشکی آمریکا، ۱۳۹۸: ۲۹۵-۲۹۴).

کودکان ساکن در دارالتأدیب تهران هم تجربه‌های دردناک و دهشتناک گوناگونی را از سر می‌گذراندند. سردسته چاقوکش‌ها در زندان قصر در اوایل دهه ۲۰ لمپنی به نام «قدم» بود و این فرد در روز روشن کودک مورد نظرش را گرفته و به سلول خود می‌برد و مقصود پلید و پلشت خود را عملی می‌کرد. رفتارهای تجاوزکارانه امثال قدم متوجه کودکان دارالتأدیب بود. به دستور میرزاها و آژان‌ها کودکان ساکن در دارالتأدیب به بهانه‌های مختلف از قبیل بیماری، چند شبانه‌روزی را برای معالجه به بهداری می‌آوردند. از آنجایی که بهداری زندان قصر و دارالتأدیب در جوار یکدیگر بودند، تکلیف کودکان منتخب روشن بود. کودکان می‌بایست شب‌ها را در اتاق‌های میرزاها به سر می‌بردند. مطابق میل بچه‌ها غذای خوب برای آن‌ها آورده می‌شد و اغلب بچه‌ها تصور می‌کنند که بهداری همان سلول‌های خاص است. گاهی به آنان دستور کشیدن تریاک داده می‌شد و چه بسیار کودکانی که از این راه معتاد شدند. بعد از چند روز که متجاوزان کودکان را بین خود ردوبدل می‌کردند، آن‌ها را به دارالتأدیب بازمی‌گرداندند (حکیم الهی، ۱۳۲۵: ۱۹-۱۸).

در دارالتأدیب تهران کودکان لباس مناسب، ایمنی و سلامتی نداشتند ولی حکیم الهی به کنایه می‌گوید که با این وضعیت آن‌ها صاحب تیم فوتبال بودند (حکیم الهی، ۱۳۲۵: ۶۷). هدایت‌اله حکیم الهی که خود هم شهر نو و هم دارالتأدیب را در اواسط دهه ۲۰ از نزدیک بازدید کرده بود، در این مورد اظهار می‌دارد: می‌شود دارالتأدیب قصر قاجار را با شهر نو در تهران یکی دانست؛ ولی تفاوت‌هایی وجود دارد که دارالتأدیب را ننگین‌تر ساخته است (حکیم الهی، ۱۳۲۵: ۶۸).

بعد از کودتای ۲۸ مرداد برخی جوانان را تعمداً در سلول

همواره جوانان را تحت‌نظر داشته و از اختلاط با دیگران منع می‌کردند (نصرت‌الدوله، ۱۳۷۵: ۷۰). خلیل ملکی در انتقاد از دارالتأدیب زندان قصر اظهار می‌دارد که از جوانی شنیدم که وضع دارالتأدیب بهتر از وضع کریدور پنج یعنی کریدور جنایتکاران و مجرمان باسابقه نیست (ملکی، ۱۳۶۸: ۲۵۵). در همین کریدور پنج، عده‌ای از جوانان کم سن و سال را جهت رضایت زندانیان دیگر نگه می‌داشتند که ملکی به کنایه اظهار می‌دارد که وی به وجود این جوانان و روابطشان در کریدور پنج واقف بوده است (همان‌جا). ملک‌الشعراى بهار نیز به همزیستی کودکان با مجرمان عادی در زندان قصر اشاره می‌کند:

پیر هفتاد ساله در ناله همدمش طفل یازده‌ساله

(بهار، ۱۳۸۰: ۹۴).

این همان مسئله مهمی است که تمایز بین امر «دوژور» و «دوفاکتو» را متجلی می‌سازد. به سخن دیگر حقوق‌دانان به تدوین حقوق اعم از کیفری و یا مدنی همت می‌گمارند ولی اینکه این حقوق در عرصه عمل متحقق شود، مسئله‌ای دیگر است و ممکن است که کاملاً بین این دو گسست وجود داشته باشد.

این را باید در نظر گرفت که کودکان در سنینی هستند که به‌شدت به مادر وابستگی عاطفی دارند. اینکه کودکان از مدرسه رفتن طفره می‌روند، ناشی از اختلالی است که به آن school phobia اطلاق می‌شود که معمولاً نتیجه اضطراب حاصله از جدایی از مادر است. حال باید این مسئله مهم را از نظر زمانی در نظر بگیریم که قطع رابطه کودکان بزهکار از خانواده، طولانی است و مانند اختلال ناشی از رفتن به مدرسه نیست. در اینجا کودک ممکن است ماه‌ها و سال‌ها دور از خانواده و ساکن در دارالتأدیب باشد. از این‌رو ابتلا به «اختلال اضطراب جدایی»^۱ در کودکان دارالتأدیب بسیار پیش می‌آید. «اختلال اضطراب جدایی» ترس یا اضطرابی است که فرد به علت جدا شدن از کسانی که به آن‌ها دلبستگی دارد، رخ می‌نماید. بسته به سن افراد ممکن است از حیوانات، تاریکی، دزدان، زورگیران و سایر موقعیت‌هایی که باور دارند خود

1. Separation anxiety disorder

تجربه آزار و اذیت خود را به اشکال مختلف بروز می‌داد و یکی از این آسیب‌ها این بود که از نظر روان‌شناسی کودک مورد تجاوز قرار گرفته، بعدها خود می‌توانست به یک متجاوز مبدل گردد.

نتیجه

پژوهش حاضر به دنبال بررسی وضع کودکان بزهکار در دارالتأدیباتهای تهران عصر پهلوی بود. با تدوین حقوق کیفری از جمله حقوق کودکان، ظاهراً کودکان در صورت جرم، واجد حقوقی بودند که آن‌ها را از سکونت در زندان افراد بالغ منع می‌کرد. اما در عرصه عمل وضع دارالتأدیباتها به گونه‌ای دیگر بود. گزارش‌های زیادی از تعرض به کودکان در دارالتأدیباتهای تهران در دست است و این مسئله نگارنده را بر آن داشت تا در خصوص علل اصلی این آسیب به جستجو و کندوکاو بپردازد. در واقع هدف از تأسیس دارالتأدیباتها اصلاح رفتار به اصطلاح کودکان بزهکار و بازگرداندن آنان به عنوان افرادی بهنجار به جامعه است. با احداث مکانی مجزا قرار بود کودکان از آمیزش با مجرمان بالغ منع شوند ولی وضع کودکان در دارالتأدیباتها مؤید این واقعیت است که تجاوز و آزار و اذیت کودکان بخشی از جریان روزانه زندگی در این نهاد بوده است. به نظر می‌رسد با وجود ساخت مکان‌های مجزا برای کودکان بزهکار، تربیت و آموزش کودکان در دارالتأدیباتها چندان مورد توجه نبوده است، طرفه آنکه محیط نامساعد دارالتأدیباتها خود به مکانی جرم‌خیز تبدیل شده بود که به سبب آن کودکان مورد آسیب‌های جدی روانی و جسمی قرار می‌گرفتند. در واقع سخن نوین مقاله حاضر این بود که تقریباً تمام دارالتأدیباتهای تهران در محوطه زندان بزرگسالان و افراد بالغ ساخته شده بودند و این مجاورت امکان ارتباط بین مجرمان بالغ را با کودکان، میسر و ممکن می‌نمود. بدین ترتیب بود که شاهد

حسین قصاب^۱ جای دادند، تا مورد تجاوز قرار گیرند. حسین قصاب و نوچه‌هایش گاه با رضایت و گاه به عنف به زندانیان عادی تجاوز می‌کردند (خامه‌ای، ۱۳۷۱: ۱۰۳۱). ابوالحسن عمیدی نوری^۲ از حقوقدانان و روزنامه‌نگاران نوشته بود که «در زندان، اطفال خردسال مورد خرید و فروش واقع می‌شوند و حتی اشخاص مسن و پیرمرد هم از این لحاظ تأمین ندارند و کسانی که می‌خواهند از هرگونه تعرض مصون بمانند باید جای مناسبی را که عبارت از گوشه دیوار است برای خودشان به قیمت گزاف خریداری کنند تا زندان ساکن زندان به او دسترسی نداشته باشند» (خطیبی، ۱۳۳۳: ۲۷).

حال باید این را در نظر داشت که این به اصطلاح کودکان مجرم گاه و بی‌گاه به بهانه‌های واهی و یا شبه جرم راهی دارالتأدیبات می‌شدند و گاه اساساً دارالتأدیباتی در کار نبود و یکسره کودک را به نزد زندانیان بالغ می‌بردند. به نوشته پرویز خطیبی یک روز یک بچه ۱۲ ساله ارمنی را به جرم آن‌که «دو چرخه‌اش چراغ نداشته^۳ و از پرداخت پنجاه ریال جریمه ناتوان بود، پهلوی ما آوردند - پسرک بیچاره دائماً اشک می‌ریخت و از ترس و وحشت داشت دق می‌کرد؛ بالاخره ما جور او را کشیده پنج تومانش را پرداختیم تا آزادش کردند» (خطیبی، ۱۳۳۳: ۳۲).

از کندوکاو در منابع اندک اطلاعاتی را می‌توان در خصوص دارالتأدیباتها یافت و از همین داده‌ها روشن می‌شود که در دوران پهلوی دارالتأدیبات مستقل از زندان وجود نداشته است و به خاطر قرارگیری دارالتأدیباتها در محوطه زندان‌ها تعامل و دست‌اندازی زندانیان بزرگسال به کودکان سهل و ساده بود و بدین ترتیب ما شاهد تجاوز و نادیده گرفتن حقوق اولیه کودکان هستیم. کودکانی که بدین ترتیب در دارالتأدیبات زندگی می‌کردند، در آینده

دادگاه نظامی به این مسئله اشاره دارد. به گفته وی «در آن سیاه‌چال دیدم که چگونه اطفال معصوم زندان را که مثلاً با دو چرخه تصادف نموده و یا با هم دعوا کرده بودند به‌جای اینکه به دارالتأدیبات بفرستند، پاسبان‌ها و افسران زندان آن‌ها را به پولداران فاسد زندان می‌فروختند ...» (دفاعیات هوشنگ تره‌گل، مسعود رجوی، محمد بازرگانی و شکرالله پاک‌نژاد، ۱۳۵۶: ۱۲).

۱. حسین قصاب در اواخر دوران رضاشاه مرتکب قتل و به حبس ابد محکوم شده بود و از آن موقع تا سال‌های بعد از کودتا در زندان قصر زندانی بود.
۲. حقوقدان و جرم‌شناسی که نخستین کتاب فارسی را در حوزه جرم‌شناسی تحت عنوان «جرم و مجازات» در سال ۱۳۰۸ شمسی نوشته بود.
۳. گاه و بی‌گاه در منابع مشاهده می‌شود که کودکان را به دلایل واهی راهی دارالتأدیبات می‌کردند چنانکه هوشنگ تره‌گل در بخشی از دفاعیات خود در

تجاوز آشکار و پنهان زندانیان بالغ بر کودکان دارالتأدیب بوده‌ایم. این تجاوزات نه در محل دارالتأدیب بلکه در سلول‌های زندان قصر رخ می‌نمود و برخی از دست‌اندرکاران زندان هم در این راه زندانیان متجاوز را مساعدت می‌کردند. بدین ترتیب سردهسته‌های زندانیان تبهکار که اغلب متمایل به رفتارهای خشن و تجاوزکارانه بودند، به شیوه‌های مختلف به کودکان دارالتأدیب آسیب می‌رساندند.

منابع

آگامین، جورجیو (۱۳۹۵). *کودکی و تاریخ، درباره ویرانی تجربه*. ترجمه پویا ایمانی، تهران: نشر مرکز، چاپ سوم
 اباذری فومشی، منصور (۱۳۷۸). *مبسوط در ترمینولوژی اصطلاحات کبیری*. تهران: اندیشه عصر
 انجمن روان‌پزشکی آمریکا (۱۳۹۸). *راهنمای تشخیصی و آماری اختلالات روانی DSM-5*. آپدیت ۲۰۱۹، ترجمه مهدی گنجی، تهران: انتشارات ساوالان
 احمد، احمد (۱۳۸۶). *خاطرات احمد احمد*. به کوشش محسن کاظمی، تهران: سوره مهر، چاپ هشتم
 بامداد، بدرالملوک (۱۳۲۹). *تعلیم و تربیت دموکراسی در ایران*. تهران: بی‌نا
 بهار، محمدتقی (۱۳۸۰). *دیوان اشعار*. جلد اول، به کوشش مهرداد بهار، تهران: توس
 بهرامی، فضل‌الله (۱۳۰۷). *«دارالتأدیب»*. پلیس، سال سوم، شماره یک
 پلیس ایران (۲۵۳۵). بی‌جا: روابط عمومی شهرداری کشور
 حسینی، محمدعلی (۱۳۹۴). «فصلی از رنج راه». *حلقه گمشده سیروس نهایندی*. آلمان، کلن: چاپ دوم
 حکیم الهی، هدایت‌اله (۱۳۲۵). *با من به زندان بیائید*، تهران: م پاریزی، چاپ سوم
 خامه‌ای، انور (۱۳۷۱). *خاطرات سیاسی*، تهران: نشر گفتار
 خاطرات حبیب‌الله عسکراولادی (۱۳۹۱). تدوین سید محمد کیمیافر، مصاحبه‌گر مرتضی میردار، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، چاپ دوم
 خواجه نصیرالدین طوسی (۱۳۶۰). *اخلاق ناصری*. به تصحیح مجتبی مینوی، علیرضا حیدری، تهران: انتشارات خوارزمی
 خطیبی، پرویز (۱۳۳۳). *خاطرات زندان حاجی‌بابا*، تهران: بی‌نا
 دروویل، گاسپار (۱۳۶۴). *سفر در ایران*. ترجمه جواد محبی، تهران: شباویر

دشتی، علی (۱۳۸۰). *ایام محبس*. تهران: اساطیر
 دفاعیات هوشنگ تره‌گل، مسعود رجوی محمد بازرگانی و شکرالله پاک‌نژاد (۱۳۵۶). بی‌جا: انتشارات کنفدراسیون جهانی محصلین و دانشجویان ایرانی
 روسو، ژان ژاک (بی‌تا). *امیل یا کتاب آموزش و پرورش*. ترجمه ع. سبحانی، تهران: موسسه مطبوعاتی فرخی
 رووت، مایکل (۱۳۸۹). *فلسفه علوم اجتماعی*. ترجمه محمد شجاعیان، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی
 شفا، شجاع‌الدین (بی‌تا). *گاهنامه پنجاه سال شاهنشاهی پهلوی*، جلد ۱، پاریس: انتشارات سهیل
 سحاب، ابوالقاسم (۱۳۹۴). *تاریخ خجسته (زندگی، زمانه و آثار استاد ابوالقاسم سحاب ۱۳۳۵ - ۱۲۷۵)*. به کوشش غلامرضا سحاب، تهران: دنیای جغرافیایی سحاب
 شهرام، محمدتقی (۱۳۹۰). *دفترهای زندان، فرانکفورت: انتشارات اندیشه و پیکار*، چاپ دوم
 عبده، جلال (۱۳۶۸). *چهل سال در صحنه قضایی، سیاسی و دیپلماسی ایران و جهان*. جلد اول، تهران: موسسه خدمات فرهنگی رسا
 عمویی، محمدعلی (۱۳۷۷). *درد زمانه (خاطرات محمدعلی عمویی ۱۳۵۷ - ۱۳۲۰)*. تهران: آزان
 عنصرالمعالی، کیکاووس بن اسکندر (۱۳۳۵). *کتاب نصیحت‌نامه قابوس‌نامه*، به تصحیح امین عبدالمجید بدوی، تهران: ابن‌سینا
 صفایی، ابراهیم (۱۳۸۳). *دکتر احمد متین‌دفتری*، تهران: نشر قطره
 فرید (۱۳۳۸). «تاریخ پیدایش زندان‌های فعلی»، *شهریاری*، شماره ۲۸۲
 قدیمی، ذبیح‌الله (۱۳۲۶). *تاریخ ۲۵ ساله ارتش شاهنشاهی ایران*. تهران: چاپخانه مجلس شورای ملی
 قهرمان لو، ایرج (۲۰۱۵). *گذر از آتش*. سوئد: ناشر مؤلف
 کراو، لستر و آلیس کراو (۱۳۵۷). *روانشناسی کودک*. ترجمه مشفق همدانی، تهران: امیرکبیر، چاپ چهارم
 کورسارو، ویلیام‌ای (۱۳۸۶). *تاریخ کودکی کودکی مطلوب*. ترجمه علیرضا کرمانی، پژوهش‌نامه ادبیات کودک و نوجوان، شماره ۵۰
 کی‌منش، تقی (۲۰۱۹). *خاطرات تقی کی‌منش ۱۳۵۷ - ۱۳۰۱*. به اهتمام بهروز مطلب‌زاده، آلمان - بوخوم: آیدا
 گودرزی بروجردی، محمدرضا و لیلا مقدادی (۱۳۸۳). *تاریخ تحولات زندان*. تهران: میزان
 گیدنز، آنتونی (۱۳۷۴). *جامعه‌شناسی*. ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نشر نی، چاپ دوم
 مایال، بری (۱۳۹۵). *تاریخچه جامعه‌شناسی کودک*. ترجمه حسام حسین‌زاده، تهران: نشر اینترنتی رهایی
 مجموعه قوانین و مقررات سال‌های ۱۳۱۲-۱۳۰۰ (۱۳۸۸). بخش

منصوره اتحادیه و سیروس سعدوندیان، تهران: نشر تاریخ ایران
 هومن، احمد (۱۳۳۹). *زندادان و زندانیانها یا رژیم بینی تانسیر*. تهران: دانشگاه
 تهران

روزنامه‌ها و مجلات

اطلاعات، سال سوم، شماره ۷۸۸، ۲۲ خرداد ۱۳۰۸
 مجله پلیس، ۱۳۰۴

نامه شهربانی، شماره اول، سال چهارم، دی ۱۳۱۷
 نامه شهربانی، «در آموزشگاه دارالتأدیبات زندان مرکزی چه می‌گذرد»
 شماره ۱۷ سالنامه پارس، سال ۷، ۱۳۱۱

Ariés, Philippe, (1962). *Centuries of childhood*, translated from the French by Robert Baldick, New York: Alfred A. Knopf

Lemert, E. M. (1951). *Social pathology; A systematic approach to the theory of sociopathic behavior*, New York, Toronto, London: McGRAW- HILL BOOK COMPANY, INC.

اول، تهران: روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران
مرامنامه‌ها و نظامنامه‌های احزاب سیاسی ایران در دومین دوره مجلس شورای ملی (۱۳۶۱). به کوشش منصوره اتحادیه، تهران: نشر تاریخ ایران

مستوفی، عبدالله (۱۳۸۴). *شرح زندگانی من یا تاریخ اجتماعی اداری قاجاریه*. ج ۱، تهران: زوار، چاپ پنجم
 ملکی، خلیل (۱۳۶۸). *خاطرات سیاسی*، چاپ دوم، تهران: شرکت سهامی انتشار

میثمی، لطف‌الله (۱۳۹۸). *تولدی دوباره خاطرات لطف‌الله میثمی*. ج ۳، تهران: انتشارات صمدیه

ناگفته‌ها (خاطرات شهید حاج مهدی عراقی، پاریس، پاییز ۱۹۷۸ - ۱۳۵۷) (۱۳۷۰). به کوشش محمود مقدسی، مسعود دهشور، حمیدرضا شیرازی، تهران: موسسه خدمات فرهنگی رسا
 نصرت الدوله (فیروز میرزا فیروز) (۱۳۷۵). *خاطرات محبس*. به کوشش